

# گزارش میراث

دوماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه تصحیح انتقادی متون  
نسخه‌شناسی و مباحث ایران‌شناسی

دوره دوم، سال چهارم، شماره سی و نهم، خرداد و تیر ۱۳۸۹

نسخه اخلاق ناصری، دارای مینیاتور، در مجموعه صدرالدین آقاخان، شماره نسخه Ms.39



نکته‌ای درباره یک مقاله / وحید سبزیان پور  
نسخ خطی و چاپهای کهن گرجی شاهنامه / لیلی ژرژلیانی  
«حافظ» و «اشعاری نویافته از میرکرماتی» / فرزاد ضیائی

اطلاعاتی درباره ابوالمفاخر بن فضل الله حسینی مؤلف تاریخ شاه صفی / بهروز ایمانی  
تصحیح عبارتی در «ذیل نفثة المصدور» ابوالرجاء قمی / سید علی میرافضلی  
«رساله در ترس از مرگ» از ابوعلی مسکویه / پوران زینالی

مجدالدین کیوانی

در ماه دسامبر ۲۰۰۴، آقای گوگلپ کامل، بنیان‌گذار «مؤسسه رومی» دانشگاه خاورمیانه در قبرس، میزبان نخستین همایش بین‌المللی مولوی پژوهان در نیکوزیا بود. در این همایش که تنی چند از اسلام‌شناسان و مولاناپژوهان ترک و غیر ترک (ظاهراً بدون حضور هیچ ایرانی) شرکت داشتند، فرنکلین لوئیس از دانشگاه شیکاگو پیشنهاد کرد که هشتصدمین سال تولد جلال‌الدین محمد در ۱۳۸۶/۲۰۰۷ش در تمامی شهرها از بلخ تا قونیه را جشن بگیرند. متعاقباً این نظر مطرح شد که «چرا از بلخ تا برکلی جشن نگیریم؟» و این خود سرآغاز آغازی شد.

آقای کامل بعدها اندیشید که در هشتصدمین زادسال مولانا، مؤسسه رومی دانشگاه خاورمیانه باید با بهره‌گیری از برنامه‌های «شب عرس» (۱۷ دسامبر) در نیکوزیا به برنامه همایش مولاناپژوهان حالتی استثنایی بخشید. آقای کامل به این فکر می‌افتد که اگر بشود، همایش مؤسسه را در موزه مولانا در قونیه برپا کنند، یعنی در محلی که تربت حضرت مولانا همه‌ساله صدها هزار بازدیدکننده مشتاق را به سوی خود جلب می‌کند. تا آن زمان هیچ گردهمایی‌ای در این موزه برگزار نشده بود، مع‌ذکب دلیلی نداشت که چنین فکری ناممکن تصور شود.

سرانجام با استقبال و حمایتی که بعضی موسسات و شخصیت‌های سیاسی و علمی نشان دادند، اجازه داده شد که همایشی علمی برای نخستین بار کار خود را روز ۱۶ دسامبر ۲۰۰۷ در محل موزه مولانا آغاز کند. در پایان همایش، فرنکلین لوئیس اظهار داشت که تتبعات رومی‌شناسی دست‌کم در یک معنا غیرعادی می‌نماید و در توضیح سخن خود گفت: تقریباً هر رشته تحقیقاتی نشریه‌ای ویژه خود دارد که همه پژوهشگران می‌توانند بدو برای آگاهی از جدیدترین کتب و نشریات درباره موضوعات مربوط به رشته خود بدان رجوع کنند و در باب نتایج پژوهش‌های جاری کسب اطلاع کنند.

به نظر آقای کامل از آنجا که گردآوردن زود به زود چنین گروه گزیده‌ای از ارباب دانش و تحقیق از شرق و غرب عالم کار دشوار و پرزحمتی است، به فکرش رسید که نشریه‌ای اختصاصی می‌تواند این مشکل را تا حدی حل کند. او چند هفته بعد، این طرح را با لئونارد لویزن، استاد

اسلام‌شناس دانشگاه اکستر، انگلستان، در میان گذاشت. او ضمن تأیید این طرح، توصیه کرد که نشریه سالیانه باشد، و پذیرفت که ویراستاری مجله را بر عهده بگیرد و برای این منظور هیأت تحریریه‌ای حائز شرایط به هم آورد. طی چند ماه بعد، این مهم انجام گردید. لویزن ضمناً پیشنهاد کرد که میان مؤسسه رومی و مرکز پژوهش‌های فارسی و ایرانی دانشگاه اکستر همکاری و مشارکتی برقرار گردد. پس از تحقق این پیشنهاد پایه‌های ویرایش، چاپ و توزیع مجله گذاشته شد؛ و بدین سان برای نخستین بار مجله‌ای ویژه پیر قونیه به عرصه دانش پژوهی جهانی پانهاد و اولین شماره آن در ژانویه ۲۰۱۰ توزیع شد.



این شماره شامل پیش‌سخنی از گوگلپ کامل، یادداشتی از ویراستار و دو بخش اصلی است: یکی مقالات و دیگری نقد و بررسی کتاب. در جای‌جای مجله ترجمه انگلیسی چند غزل و رباعی از مولانا گنجانده شده است. ترجمه‌ها توسط فرنکلین لوئیس، پل لوزنسکی، لئونارد لویزن و مایکل زند انجام شده است. اولین نوشته در بخش مقالات «از بلخ تا مدیترانه: اوریمن، خاخام یئسیک بن یکل و مثنوی جلال‌الدین رومی»،<sup>۲</sup> به قلم جلیل نودری از خوزستان ایران، است.

1. *Mawlana Rumi Review*

2. "From Ballet to the Mediterranean: Everyman, Rabbi Eisik, son of Yekel and Jalal al-Din Rumi's Mathnawi"

نویسنده سعی کرده وجوه شباهت (و گاه تفاوت) میان ۱. یک داستان اخلاقی انگلیسی به نام «هرکس» (Everyman)، ۲. داستان عامیانه «خام» یئسیک، از ناحیه کراکو در لهستان، و ۳. روایاتی در ادبیات فارسی که از لحاظ زمانی مقدم بر آن منابع غیر ایرانی است، پیدا کند. نوذری بر این باور است که اگر نتوانیم با اطمینان خاطر مدعی شویم که زادگاه این داستانها ایران است، می‌توانیم مسلم بدانیم که منشأ آنها متون شرقی‌ای است که در قرون وسطی از راه ایران به اروپا رفته است. منبع بررسی نوذری در این پژوهش مثنوی معنوی است. او توجه می‌دهد که مولانا به وجهی موجز و سربسته به داستان مورد نظر اشاره می‌کند، به سبب آنکه این داستان رمزی نمادین در عصر او به اندازه‌ای رایج و شناخته شده بوده که او نیازی نمی‌دیده که به تفصیل آن را گزارش کند.

مقاله دوم با عنوان «مولانا جلال‌الدین ر. ا. نیکلسن» از نویسنده‌ای روسی تبار به نام مارتا سیمتچیوا<sup>۱</sup> است که ضمن بیان اینکه نیکلسن (۱۸۶۸-۱۹۴۵م) به رغم شهرتش به عنوان پژوهشگری راستین و مولاناشناس کم‌نظیر، در کتابهای شرح احوال محققان رشته عرفان و تصوف تقریباً «نامشهود» مانده است، سبب دوام و موضوعیت داشتن کارهای وی تا به امروز را جستجو می‌کند و می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که چرا از پس حدود هشتاد سال و نشر چندین چاپ انتقادی از مثنوی و تفسیرهای متعدد درباره این شاهکار جهانی، ترجمه و چاپی انتقادی که این پژوهشگر انگلیسی بین سالهای ۱۹۲۵-۱۹۴۰م از مثنوی کرد و توضیحاتی که بر آن نوشت، هنوز همه جا مورد استناد اهل تحقیق است و حتی شخصیتی چون بدیع‌الزمان فروزانفر خود را از مراجعه به کارهای وی بی‌نیاز نمی‌دیده است.

مقاله سوم، نوشته آلبرتو فابیو آمبروزیو<sup>۲</sup> با عنوان «حصن خدا مرکز روح درویش است»، شرحی است از تاریخچه و نمادهای طریقت مولویه. مؤلف ضمن اشاره به تصویری سطحی و تئک‌مایه که اروپاییان سنتاً و عموماً از مراسم سماع صوفیان مولوی داشته‌اند، می‌کوشد تا نقش واقعی این آیین را در زندگی معنوی مولویه و ارزش ذکر گفتن را در طی این مراسم روشن کند. او به استناد منابع صوفیان، از قبیل منهاج‌الفرقاء اسماعیل انقروی (د ۱۰۴۱ق)، ذکر را دژ الهی یا حصن خدا توصیف

می‌کند. صوفی مولوی با تکرار نام الله، که ذکر مختار مولویه است، به اعمال یاد خداوند می‌رسد. مقاله بعدی، «معشوق مجازی و معشوق حقیقی در اشعار مولانا رومی»، از عبدالغفور روان فرهادی، از دو نوع عشق مجازی و حقیقی و تکرار اینها هم در غزلیات شمس هم در مثنوی سخن می‌گوید. پیش از مولانا، سنائی و عطار به تفاوت معشوق مجازی و معشوق حقیقی پرداخته‌اند. به عقیده روان فرهادی، مولانا وقتی از معشوق مجازی می‌گوید معمولاً در درجه اول به شمس تبریزی و در درجه دوم به کسانی چون محقق ترمذی، صلاح‌الدین زرکوب و چلبی حسام‌الدین اخی ترک اشاره دارد. با وجود این، معشوق مجازی مولانا از نوع معشوقگان عادی نیست. روان فرهادی در این دعوی به رباعیاتی چون رباعی زیر از خود مولانا استناد می‌کند:

معشوقه خانگی به کاری ناید

کو عشوه نماید وفا ننماید

معشوقه کسی باید کاندر لب‌گور

از باغ فلک هزار در بگشاید

در مقابل، عشق حقیقی، یعنی عشق به خدا، است که حضرتش آن را به عاشقان خود آموخته و مولانا آن را در رباعی زیر بیان فرموده است:

شاگرد تو است دل که عشق آموز است

ماننده شب گرفته پای روز است

هرجا که روم صورت عشق است به پیش

زیرا روغن در پی روغن‌سوز است

رسیدن به حد چنین عشقی متعالی مستلزم توبه عاشق (انسان) و الطاف و فضل الهی است. ارتباط دو نوع عشق یادشده را مولانا در بیتی چنین وصف می‌کند:

آنچه معشوق است صورت نیست آن

خواه عشق این جهان خواه آن جهان

(مثنوی، ۲/۷۰۳)

مؤلف سپس این آیه قرآنی را در تأیید اینکه عشق خدا به انسان اصلی و منشأ عشق انسان به خداوند است، نقل می‌کند: «... فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (۵: ۵۴). در پایان یادآور می‌شود که ایمان واقعی عاشق، طبق نظر مولانا، فقط عشق به خداوند است و بس:

1. Marta Simidchieva

2. Alberto Fabio Ambrosio



مقاله پنجم از ابراهیم گمرد، با عنوان «محبوبیت مولانا رومی و سنت مولوی»، اساساً مروری است بر سرگذشت پرفراز و نشیب آداب سماع مولویه در ترکیه و خارج از این کشور. نویسنده ابراز نگرانی می‌کند که به رغم جهانگیر شدن نام مولانا در غرب، معدودند کسانی که از سنت مولوی چیزی جز اجراهای دراویش چرخان یا چرخنده بدانند.

در اواخر عصر امپراتوری عثمانی ۱۱۴ مرکز مولوی (تکیه، در ترکی: تَکّه) و قریب به یکصد هزار مولوی مسلک در سراسر این امپراتوری وجود داشته است. این وضعیت در ۱۹۲۵ که جمهوری ترکیه همه مؤسسات صوفی را ممنوع و مراکزشان را تعطیل کرد، به آخر رسید و پس از آن، مراسم سماع در سماع‌خانه‌ها (در ترکی: سَمَاحانه) به مدت سی سال قَدغن شد. مع‌ذلک، در ۱۹۵۳، اجازه داده شد که سماع تنها سالی یک‌بار روز ۱۷ دسامبر (مطابق با سالگرد تولد مولانا) در قونیه به صورت رویدادی عام اجرا شود، نه به عنوان مراسمی صوفیانه، بلکه به عنوان جشنی فرهنگی در بزرگداشت یکی از بزرگ‌ترین شاعران ترکیه! اکنون پس از شصت سال، گرچه این اجرای عام سماع حیاتی دوباره به این آیین مولویه داده است، ولی از دیگر سو، پاکیزگی و روحانیت این سنت را کم کرده است. مراسم سماع، به جای آنکه به عنوان عملی معنوی در خلوت، بدون هیچ خودنمایی و روی و ریایی همراه با ذکر نام خدا از سویدای دل صورت پذیرد، وسیله‌ای شده برای درآمد عظیم صنعت جهانگردی از طرفی، و از طرف دیگر، «پول‌سازی» گروهی حرفه‌ایی که دغدغه حقیقت و سلامت معنوی این رسم کهن روحانی را ندارند. در سماع اصیل، آداب و شرایطی رعایت می‌شده که امکان شرکت هر کس و ناکسی را در آن نمی‌داده است: آیینی بوده آموزشی، عارفانه و دینی. لیکن امروز کار به جایی رسیده که عده‌ای چرخنده جامه‌های آیینی مولویه را بر تن می‌کنند و صرفاً برای پول، در مکانهای نامناسب، مانند سراسرهای هتلها، ضیافتها، جشنهای عروسی و کنسرتها برنامه اجرا می‌کنند. در این گونه رقص‌ها رعایت اصول در حرکات و فضاها اجرا نمی‌شود. نوازندگان و چرخندگان

درکی از اشعار فارسی که مولانا سروده ندارند. خلاصه، آگاهی از سنت مولویه تحت‌الشعاع محبوبیت و رونق فقط یکی از آداب آن یعنی مراسم رقص چرخشی، قرار گرفته است.

در مغرب‌زمین نیز بر اثر ترجمه‌های نادرستی از غزلیات مولانا، تصویر مخدوش و محرفی از مولانا و سنت سماع به مردم داده شده است. مترجمان این دست کتابها معمولاً هیچ فارسی نمی‌دانند و فقط ترجمه‌های دقیق مترجمان قدیم‌تری، همچون نیکلسن و آربری را به انگلیسی امروزی برگردانده و هر تغییر بازارپسندی را که خواسته‌اند در آنها داده‌اند. فیلمهای به اصطلاح «مستند» از مراسم سماع تصویری غیرواقعی از زندگی و شعر مولانا به خورد جامعه می‌دهند. همین‌طور، سالهای سال از شمس تبریزی سیمایی ناقص و تحریف‌شده توسط خاورشناسان ارائه گردیده و از طریق کتابها و مقالات عامه‌پسند تبلیغ و ترویج شده است.

با وجود این، نویسنده در بخش آخر مقاله خود از کارهای ارزنده و اصیلی که از سوی کسانی چون ویلیام چیتیک و فرنکلین لوئیس در معرفی درست مولانا و شمس شده از طرفی، و تلاشهای یونسکو در جهت احیای موسیقی و رقص سماع از طرف دیگر، سخن می‌گوید. از پی اقدامات ارزنده یونسکو بود که سماع به عنوان «شاهکار میراث شفاهی و معنوی بشر»<sup>۱</sup> و سال ۲۰۰۷ سال بین‌المللی مولانا اعلام شد. در پایان، نویسنده پیشنهادهایی به منظور حفظ و هرچه بهتر شناساندن سنت اصیل سماع مولوی و تداوم ارزشهای تعلیمی و معنوی آن ارائه می‌کند.

آخرین مقاله با عنوان «واپسین نسل: تخم‌یسی مُطرف از احمد رمزی دده»، نوشته رادریک گریسن، شرح حالی است از رمزی دده (۱۸۷۲-۱۹۴۴م) که بعدها به موجب قانون جدید ترکیه، لقب آکیورک گرفت آخرین شیخ و رهبر معنوی مولوی‌خانه اُسکُدار در استان استانبول. در ترکیه عثمانی به چنین منصبی «پست‌نشین» می‌گفتند. رمزی دده، که به نظر می‌رسد فردی از آخرین نسل شاعران مولوی عصر عثمانی به حساب می‌آید، پلی میان سنت ادبی تصوف عهد عثمانی و دانش‌پژوهی امروزی به شمار می‌رود. او به مناسبت بسته‌شدن مولوی‌خانه‌ها در

1. Masterpiece of the Oral and Intangible Heritage of Humanity

بدو جمهوری تازه تأسیس ترکیه، شعری ساخته که حیرت و آزدگی لاقل یک نفر را نشان می‌دهد که فرمان دوم سپتامبر ۱۹۲۵ (مربوط به برچیده شدن بساط صوفیگری در این کشور) بر او تأثیر عمیقی گذاشت. رمزی دده در این تخمیس در واقع غزلی از نظیف سروری بیک را تضمین کرده است، بدین صورت که بین دو مصرع از هر بیت سروری سه مصرع از خود نشانده و بدین ترتیب مخمسی را به وجود آورده است. این مخمس سراسر دریغ و افسوس بر تعطیل شدن مولوی‌خانه و فعالیت‌های صوفیانه در ترکیه نو است. احمد رمزی پس از وفات در مقبره برهان‌الدین محقق ترمذی در قیصریه مدفون شد.

در بخش دوم از مجله مولانا رومی، با عنوان «نقد کتاب» آثار زیر بررسی شده است:

۱. مولانا جلال‌الدین رومی، شرح مثنوی شریف، با ترجمه و شرح احمد آونی کنوک، به کوشش مصطفی طاهری، ۱۳ ج، استانبول، ۲۰۰۴-۲۰۰۹. نقد و بررسی این کتاب را آلبرتو فابو آمبریزو نوشته است. تفسیر احمد آونی کنوک (۱۸۶۸-۱۹۳۸) بی‌تردید در میان شروح ترکی مثنوی شاهکاری به حساب می‌آید. این مفسر، علاوه بر تفسیر عظیم مثنوی، آثار و ترجمه‌های دیگری نیز از خود بر جای نهاده است. او خود به طریقت مولویه تعلق داشت.

۲. طرح عارفانه رومی: مطالعه مثنوی، دفتر اول، تألیف سید قهرمان صفوی و سایمن ویتمن، با مقدمه‌ای از سیدحسین نصر؛ نقد و بررسی از کلمن بارکس. نویسنده با قلم دلنشین شاعرانه خود ویژگی‌های شاخص مثنوی و توفیق سید و سایمن را در کشف این ویژگی‌ها باز می‌نماید. به نظر وی، این دو مؤلف به زیبایی نهفته‌ای در مثنوی پی برده‌اند که مرحله به مرحله و تدریجاً پیش آنها پرده از رخ می‌گشاید؛ و این همانا طرح موسیقایی این اثر بزرگ است. مولانا احساس می‌کند که دل، روح و عقل انسانی در روند تکاملی پیش می‌روند: مردن از جمادی و نامی شدن و آنگاه به قلمرو انسانی پا نهادن. به نظر می‌رسد بارکس تناظر و تشابهی می‌بیند میان این روند تکاملی و نوع پرورده شدن تدریجی مطالب در مثنوی و غزلیات شمس. او تصریح می‌کند که مثنوی برای چندین قرن خوانندگان خود را هم لذت بخشیده هم درمانده و نومید

کرده است. گرچه توالی مطالب در آن گیج‌کننده است، ولی از سوی دیگر، همچون اقیانوسی است که می‌توان با لذت و شادی تمام در آن غرقه شد. بارکس در اینجا نظرش به گسست و پیوسته‌های غیر منتظره رویدادها در مثنوی است. سید و سیمون به توالی [ظاهراً] بدون طرح و برنامه این اثر، خودجوشی و منعکس شدن زندگی در آن به صورتی که واقعاً اتفاق می‌افتد، تصریح می‌کنند. طرح خلاق در مثنوی نه خطی بلکه دورانی است: چونان امواجی که به روی هم درمی‌غلطند و از شش سو سیلابهای خرد و حکمت را بر خواننده و شنونده فرو می‌ریزند.

۳. شمس تبریزی، خورشید رومی: تعالیم شمس تبریزی<sup>۱</sup>، ترجمه رفیق الگان و کامیل آدامز هلمینسکی، آیداهو، ۲۰۰۸؛ نقد و بررسی از مژده بیات و علی جم‌نیا. این اثر که در واقع بخشی از آن، ترجمه بیشتر مقالات شمس تبریزی است، از تأثیر شخصیت پر رمز و راز شمس تبریزی بر مولانا و رابطه شگفت‌انگیز آنان سخن می‌گوید، و از کارهایی که طی حدود نیم قرن اخیر توسط ایرانیها و غیر ایرانیهایی چون ناصرالدین صاحب‌الزمانی، محمدعلی موحد، و ویلیام چیتیک درباره شمس انجام داده، یاد می‌کند. مترجمان کتاب حاضر برگردان دیگری به انگلیسی از تعلیمات شمس به دوستداران امروزین شمس و مولانا عرضه می‌کنند. سخنانی که شمس در مدت اقامتش در قونیه می‌گفت برای نخستین مرتبه توسط سلطان ولد، پسر ارشد مولانا، و دیگرانی که به این دو نفر نزدیک بودند ضبط شد و بعدها به «مقالات» یا «معارف» یا «اسرار» شهرت یافت. مع ذلک، به نظر می‌رسد که در آن زمان کسی حتی مولانا توجهی به این مقالات نکردند و تقریباً فراموش شده ماند تا اینکه چندین دهه پیش دستنوشته‌هایی که فرض می‌شد از اقوال شمس تبریز است در بعضی از کتابخانه‌های ترکیه پیدا شد و این شروع شمس‌پژوهی گردید.

۴. رومی: رباعیات جلال‌الدین محمد بلخی، ترجمه کامل همراه با متن فارسی؛ شرح اسلامی - عرفانی؛ راهنمای اصطلاحات و کشف‌الایات،<sup>۲</sup> ترجمه ابراهیم گمرد

1. Rumi's Mystical Design: Reading the Mathnawi, Book One.

2. Shams-I Tabrizi, Rumi's Sum: The Teachings of Shams of Tabriz.

3. Rumi, The Quatrains of Rumi: Ruba'iyat-e Jalaluddin Muhammad Balkhi-Rumi, Complete Translation with Persian Text, Islamic Mystical Commentary...



و عبدالغفور روان فرهادی، کالیفرنیا، ۲۰۰۸؛ نقد و بررسی از رابرت دار. این اثر شامل ترجمه انگلیسی نزدیک به دوهزار رباعی مولاناست که به توسط دو پژوهشگر صاحب صلاحیت صورت گرفته است: روان فرهادی، پژوهشگر و زبان‌شناس با تجربه افغانی، سرشناس‌ترین کارشناس زبان فارسی آسیای مرکزی در عصر مولوی؛ و دکتر گمرد، امریکایی مسلمان‌شده‌ای که برای بیش از سی سال پیرو طریقت مولوی بوده است.

۵. آلبومی از مولوی‌خانه‌های جهان،<sup>۱</sup> تألیف هاشم کارپوز و دیگران، قونیه، ۲۰۰۷؛ نقد و بررسی از رادریک گریرسن. کتاب ظاهراً تلفیقی است از عکس و نوشته. استاد کارپوز مقدمه‌ای کلی درباره مولوی‌خانه‌های خارج از ترکیه به دست می‌دهد. سپس در بخش آلبوم کتاب، مولوی‌خانه‌های نقاط مختلف دنیا، مانند حلب، حمص، دمشق، طرابلس، اورشلیم، قاهره، نیکوزیا، آتن، سارایوو و جاهای دیگر در چهارده فصل مصور معرفی شده‌اند. این آلبوم که به مناسبت جشنهای هشتصدمین سال تولد جلال‌الدین محمد در ۲۰۰۷م تولید شد در واقع کتابی راهنما یا همراه به شمار می‌آید. مؤلفان اینجا و آنجا بر آسیب‌دیدن یا ویران شدن مولوی‌خانه‌ها افسوسها می‌خورند و شکوه‌ها می‌کنند، اما از پرداختن به این پرسش که چرا چنین شده تن می‌زنند. گریرسن ضمن اذعان به محبوبیت و کمیاب‌شدن سریع این کتاب در بازار، بر دقت محتوا، نثر انگلیسی و تجلید آن ایرادهایی می‌گیرد.

۶. عبدالحسین زرین‌کوب، پله‌پله تا ملاقات خدا؛ زندگی، اندیشه و سلوک مولانا جلال‌الدین رومی،<sup>۲</sup> ترجمه مجدالدین کیوانی، نیویورک، ۲۰۰۹؛ نقد و بررسی از فرهنگ جهانپور، رئیس سابق دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه اصفهان (۱۹۷۰-۱۹۷۴)، و استاد زبان و ادب فارسی در دانشگاه اکسفرود طی سه دهه اخیر. جهانپور پس از بیان شرح مجملی از آشنایی غرب با مولانا در اوایل سده بیستم از طریق تحقیقات و ترجمه‌های افرادی چون نیکلسن و آربری، و در دهه‌های اخیر، به یمن کارهای دانشمندان بنامی مانند شیمل آلمانی و چیتیک و لوئیس آمریکایی و افرادی دیگر، تصریح می‌کند که غربیان سخت علاقه‌مند بوده‌اند به اینکه بدانند ایرانیان، افغانها و ترکها و دیگر ملل شرقی درباره مولانا چه می‌اندیشند؛

اینک ترجمه کتاب پله‌پله این جای خالی را پر می‌کند و به غربیان فرصت می‌دهد تا ببینند دانشمندی ایرانی چه تصویری از جلال‌الدین محمد دارد. جهانپور پس از عرضه تلخیص فشرده‌ای از مطالب کتاب، از ترجمه دقیق و خواندنی ترجمه پله‌پله ابراز خشنودی می‌کند.

۷. رومی ممنوع: اشعار تحریم‌شده رومی در باب عشق، بدعت‌گذاری و مستی،<sup>۳</sup> ترجمه و شرح از نوبت و. ارگین و ویل جانسن، نیویورک، ۲۰۰۶. نقد و بررسی از علی جم‌نیا. نقدنویس سابقه نگارش این کتاب را چنین وصف می‌کند که ترجمه دانشمند مولوی‌شناس ترک، گلپینارلی، از دیوان کبیر یا غزلیات شمس در ۲۳ جلد مرتب شده است. ارگین این ترجمه ترکی را قبلاً به انگلیسی برگردانده، و ۲۲ جلد آن را با مساعدت وزارت فرهنگ ترکیه چاپ و منتشر کرده بود. معذک، وزارت مذکور از دادن تسهیلات برای چاپ آخرین جلد و دویت بیت اضافی دیگر امتناع کرده، زیرا آنها را حاوی مفاهیم بدعت‌آمیز و عباراتی موهن به اسلام دیده است. بنابراین، ارگین و جانسن کتاب خود را «رومی ممنوع» نامیده‌اند. آنان صریحاً می‌گویند که کتابشان در واقع جلد بیست‌وسوم از دیوان کبیر، ترجمه گلپینارلی است. ارگین و جانسن اثر خود را به سه قسمت کرده‌اند: «اشعاری برای شمس»، «اشعاری برای خدا»، «اشعاری در تنبیه و موعظه» و «اشعار بدعت‌آمیز». نقدنویس، علی جم‌نیا، ضمن برشمردن نقاط ضعف و قوت ترجمه و تفسیر مترجمان، نظر نهایی خود را در جایی از مقاله تلویحاً با بیان بیتی از خود مولانا ابراز می‌کند:

هر کسی از ظنّ خود شد یار من

از درون من نجست اسرار من

۸. شمس‌الدین احمد افلاکی، مناقب العارفین،<sup>۴</sup> ترجمه از فارسی به انگلیسی به قلم جان اکین، لیدن، ۲۰۰۲. نقد و بررسی از لوید ریجون. مناقب العارفین که نگارش آن از

1. *Dunya Mewlevihamerleri Fotograf Albumu/ The Mevlevi Loges of the World Photo Album*

2. *Step by Step up to Union with God: The Life, Thought and Spiritual Journey of Jalal-al-Din Rumi*

3. *The Farlidden Rumi: The Suppressed Poems of Rumi on Love, Heresy, and Intoxication.*

4. *The Feats of the Knower's of God*



طرف چلبی امیر عارف (نواده مولانا) به احمد افلاکی (د ۷۶۱ق)، از اعضای طریقت مولوی، مأموریت داده شد، شناخته‌تر از آن است که به معرفی آن در اینجا نیازی باشد. تنها به نظر ریجون که خود فارسی‌دان و آشنا به ادب صوفیانه است درباره مترجم کتاب بسنده می‌کنیم. او می‌گوید اکین پیش از آنکه به ترجمه مناقب‌العارفین مبادرت کند، اسرارالتوحید محمدبن منور و منتخبی از نوشته‌های فریتس مایر را، زیر عنوان درباره تقوی و تصوف اسلامی، به انگلیسی ترجمه کرده بود. بنابراین او مترجم شایسته‌ای است که به ظرایف و مضایق متون صوفیانه سده‌های میانی زبان فارسی کاملاً واقف است. اندکی بیش از شش صفحه از مجله مولانا رومی به مناقب‌العارفین، ارزش تاریخی و نقد ترجمه آن اختصاص داده شده است.

۹. کلمن بارکس و جان معین (مترجمان)، کتاب غرقه در آب: تأملات عرفانی و دنیایی بهاء‌الدین، پدر رومی،<sup>۱</sup> سانفرانسیسکو، ۲۰۰۴؛ نقد و بررسی از کریستفر شکیل.

ترجمه بارکس عنوان خود را از این قصه می‌گیرد که روزی شمس تبریزی مولانا را نشسته بر لب حوضی حین خواندن دستنوشته پدرش، بهاء‌الدین، می‌بیند. شمس او را از خواندن منع می‌کند و کتاب را با ضربه‌ای به درون حوض می‌اندازد. وقتی مولانا به این کار او اعتراض می‌کند، شمس نیروی معجزه‌آسای خویش را با بازگرداندن کتاب به دست مولانا در همان وضعیت خشک اول نشان می‌دهد. این قصه، جزو چیزهای دیگر، اهمیتی را که مولانا برای کلمات پدرش قائل بوده نشان می‌دهد. روش در نگارش این ترجمه چنین است که ابتدا جان معین [که ظاهراً به موینه یا موین Moyne معروف شده] ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از هر بخش معارف بهاء ولد تهیه می‌کند و بارکس ترجمه‌گونه خاص خود را از آن متن به بیانی بسیار فشرده و کوتاه‌شده انجام می‌دهد. معارف بهاء ولد، که حتی برای محققان نیز چندان آشنا نیست کتابی است استثنائی مشتمل بر تأملات سالهای سال پدر مولانا. مقدمه جالب بارکس

بر کتاب غرقه در آب شرحی اجمالی از بهاء‌الدین پیش روی خواننده می‌گذارد.

۱۰. اشعار عرفانی رومی،<sup>۲</sup> ترجمه آرثر آربری، ویرایش احسان یارشاطر، با مقدمه‌ای از فرنکلین لوئیس، شیکاگو، ۲۰۰۸؛ نقد و بررسی از لوشن استون. از آنجا که بعضی منتقدان مانند ویکتوریا هلیبروک، ترجمه آربری را نامناسب و تقریباً بی‌معنا برای خواننده می‌دانند، استون می‌پرسد که اگر چنین است پس چرا بعد از ۲۵ سال، همان ترجمه باز ویرایش و تجدید چاپ می‌شود؟ آن هم زیر نظر مولوی‌شناس بنامی چون فرنکلین لوئیس. اشعار عرفانی رومی، شامل چهارصد غزل است که آربری آنها را از روی متن مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر از دیوان کبیر انتخاب و ترجمه کرد. جلد اول در ۱۹۶۸م/۱۳۴۷ش، پیش از ابتلای آربری به مرض پارکینسن و فوت او در ۱۹۶۹، چاپ شد. او پیش از مرگ موفق شده بود ترجمه دوپست غزل دیگر را برای جلد دوم آماده کند. دختر آربری و حسن جوادی مندرجات جلد دوم را از روی نوشته‌های دشوارخوان آربری به چاپ رساندند.

نقدنویس ترجمه تحت‌اللفظی ولی دقیق آربری را از بسیاری از ترجمه‌های بعدی که به توسط افرادی ناآشنا با فارسی روانه بازار شده است، به مراتب بهتر می‌داند. لوئیس در مقدمه خود بر ویرایش جدید اشعار عرفانی رومی می‌نویسد، ترجمه‌های متأخر عموماً با اقتباس نادرست و غیرقابل اعتمادی از ترجمه‌های امثال آربری، باب بازارفروش بی‌خبر از همه‌جا تولید شده است.

روز ۱۲ ماه می ۲۰۱۰ برابر با ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۹ مراسم رونمایی از مجله مولانای رومی در محل کتابخانه ملی بریتانیا در شهر لندن برگزار شد.

1. *The Drowned Book: Ecstasy and Earthly Reflections of Bahauddin,*

*The Father of Rumi*

2. *Mystical Poems of Rumi*

